

متن پرسش

بسمه تعالی. استاد عزیز، با توجه به مبانی‌ای که در آثار شما درباره انقلاب اسلامی، استقلال، مقاومت و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی مطرح شده است، برای من یک ابهام جدی وجود دارد. اگر هدف انقلاب اسلامی حفظ استقلال و عدم تسلیم در برابر نظام سلطه است، چرا جمهوری اسلامی در عمل به گونه‌ای پیش رفته که بخش قابل‌توجهی از روابطش با بسیاری از کشورهای دنیا پرتنش شده است؟ آیا نمی‌توانست ضمن حفظ همان اصول و مرزبندی‌های اعتقادی، با بهره‌گیری از دیپلماسی فعال و تعامل هوشمند، مسیر توسعه اقتصادی، رفاه عمومی و پیشرفت کشور را نیز مانند کشورهای نظیر چین، مالزی یا حتی ترکیه دنبال کند؟ امروز بسیاری از مردم احساس می‌کنند که نه در زندگی روزمره خود پیشرفت و رفاه ملموسی می‌بینند و نه کارآمدی لازم در اداره کشور را. در چنین شرایطی، چگونه باید نسبت میان «مقاومت و استقلال» با «توسعه، رفاه و کارآمدی» را فهمید؟ آیا از منظر اندیشه شما، وضعیت کنونی نتیجه اجتناب‌ناپذیر این مسیر است، یا معتقدید می‌توانستیم ضمن حفظ اصول انقلاب، با سیاست خارجی و مدیریت متفاوت، به توسعه و رفاه بیشتری نیز دست یابیم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظر می‌آید مردم همان کشورهایی که نام بردید با تمام وجود به دنبال حضور دیگری هستند. زیرا آنچه بشر جدید را در زندگی به روش مدرن آزار می‌دهد، پوچی و نیهیلیسم است و رسالت ایران اسلامی آن است که جهان دیگری را مقابل بشر قرار دهد که تحت عنوان «جهان بین دو جهان» عرایض مفصلی در ۵ جلد تنظیم شده است که می‌توانید در سایت دنبال بفرمایید. بنگرید انسان‌هایی را که چگونه در اوج رفاه و با حضور در همان کشورهایی که به ظاهر، رفاه را به مردم‌شان داده‌اند، چه اندازه خود را در ذیل آقای شهید ایران جستجو می‌کنند.

https://eitaa.com/aieneh_ensaniyat/۱۶ و https://eitaa.com/aieneh_ensaniyat

موفق باشید